



نهاده‌های زراعی برای کشت و صنعت، کارآیی تعاونیهای مصرف و به طور کلی سیستم‌های ارتباط شهری - روستایی - اثری مستقیم بر تعاونیهای مصرف و به همان نسبت تعاونیهای اعتباری دارد.

ج) تأمین بودجه صنایع کوچک در هر دو بخش شهر و روستا به دلیل افزایش فرصتهای شغلی بخصوص برای جوانان و افراد تحصیلکردهٔ بیکار از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار است.

د) و مهمتر آنکه تعاونیهای اعتباری با رقابت فزاینده‌ای از جانب بانکهای بازرگانی ملی، تعاونیهای مصرف و بخش خصوصی روبرو هستند.

در نتیجه، مشکلاتی که تعاونیهای اعتباری با آن روبرو هستند، به حد پیچیده و غامض گشته که نیازمند ارزیابیهای مجدد مدیران آنها است.

مشکلات، چالشها و اهداف متغیر تعاونیهای اعتباری^۱

۲- مشکلات

در حالی که در برخی از کشورها توسعهٔ تعاونیها بسیار چشمگیر بوده است (و در بعضی از نواحی برخی از کشورهای در حال توسعه، تعاونیها قادر به پوشش تقریباً ۷۰ تا ۸۰ درصد جمعیت کشاورزان بوده‌اند) در بسیاری از کشورهای دیگر آنها با مشکلات پیچیده و متفاوتی روبرو هستند.

الف) افزایش تعداد تعاونیهای اعتباری در قیاس با انتظارات از سرعت متناسبی برخوردار نیست. آنچه که هم اکنون موجب نارضایتی بیشتر می‌گردد توسعه و رونق تعاونیهای تولید و بازاریابی است. هرچند که هم تعاونیهای بازاریابی و هم تعاونیهای تولیدی در برخی از بخشهای مجزا همچون لبنیات، شکر، کتان و غیره به موفقیت قابل توجهی نائل آمده‌اند.

ب) فشارهای سیاسی عامل گسترش تعاونیهای اعتباری در جهت تطابق رسمی آنها با اهداف کمی بوده است. در چنین مواردی جدا از تغییرات کیفی که می‌بایست صورت گرفته باشد و حتی از برخی جهات مقدم شمرده شود، گسترش کمی به عنوان مثال در کنترل‌ها و در ایجاد توازن توسط نهادهای سیاسی در غیاب این تغییرات

۱- جهان در حال تغییر و تحول

جنبه‌های مهم "تغییر" عبارتند از:

الف) روند رو به رشد تجارت و کسب درآمد از محصولات کشاورزی در کشورهای در حال توسعه.

در برخی از کشورهای در حال توسعه یک نوع دگرگونی تدریجی در جهت اقتصاد یکپارچهٔ بازار وجود دارد که در آن درآمد کشاورزان با سطح بخش موفق شهری هماهنگی دارد. شرایط تجارت محصول کشاورزی، عرضهٔ مواد اولیه (منابع) به بهای معقول، بازاریابی محصولات به قیمت مناسب (مناسب هم از جهت تولیدکننده و هم از جهت مصرف‌کننده) به موضوعاتی بدل گشته‌اند که مستقیماً با موفقیت تعاونیهای اعتباری در ارتباط است.

ب) با افزایش روند شهرنشینی و اهمیت فزایندهٔ بهایی که مصرف‌کنندگان در غالب تورم اقتصادی می‌پردازند، مداخلهٔ دولت در تأمین غلات برای مصرف‌کنندگان، بازاریابی

• اس. جی. مدین^۲
○ ترجمه: غزاله عابدی

اشاره:

جهان پیرامون شرکت‌های تعاونی اعتباری با چنان سرعتی در حال تغییر و تحول است که درک ماهیت و دامنهٔ تغییرات آن بطور روزافزونی دشوار گردیده است. بنابراین سازگاری و تطابق با این تغییرات نیز برای شرکت‌های تعاونی اعتباری دشوار است. تحول جهان چگونه است؟ تعاونیهای اعتباری با چه مشکلاتی دست به گریبانند؟ آنها با چه چالشهایی روبرو هستند؟ اهداف جدید این تعاونیها در زمرهٔ چه اهدافی باید باشد؟ این مقاله باید تا جایی به بحث در مورد این موارد بپردازد که قادر شود دورنمایی مناسب و ساختاری هدفمند را در قالب رهنمودهایی برای تعاونیها در هر کشوری ایجاد نماید.

چشمگیر بوده است. متعاقباً اشتباهاتی بخصوص در کشورهای که شرایط تجارت محصولات کشاورزی نامطلوب می‌باشد یا در مناطقی که مستعد بلایای طبیعی هستند، افزایش می‌یابد.

ج) در برخی از کشورها که افزایش تعداد تعاونیهای اعتباری با تغییرات تولید یا ساختار خدمات حمایتی همگام نبوده است، تعاونیها با توجه به موانع ایجاد شده از جانب نهادهای روستایی عملاً با محدودیت‌هایی روبرو شده‌اند. گاهی مواقع محدودیت ظرفیت نهادهای روستایی در جذب، استفاده، نظارت و استرداد به نحو بهینه از سرمایه تعاونی اعتباری را وادار ساخته است تا وجوه سرمایه‌گذاری خود را که با هدف گسترش تعاونیها در روستاها شکل گرفته‌اند و این مهم از اولویت بالایی برخوردار بوده است به

نقاطی از شهر انتقال دهند که از اولویت کمی برخوردار است. این تغییر موضع از جانب تعاونیها طرحی است ضروری که به جهت جلوگیری از ایجاد

خسارت، تقریباً همواره به خود آنها تحمیل شده است.

د) افزایش نیروی انسانی دوره دیده (آموزش دیده) با روند رو به افزایش پیچیدگی فعالیت‌هایی که تحت تعهد تعاونیها است همگام با پیشرفت‌هایی صورت گرفته که در تسهیلات و تکنیکها آموزشی با افزایش تقاضاهای آموزشی که خود با افزایش مسئولیت تعاونیهای اعتباری همراه است، همنا نبوده است.

ر) تغییرات مشاهده شده در ساختار، رویکرد، سیاست و عملکرد بخش تعاونی با توجه به هر دو معیار میزان و کیفیت، اغلب کمتر از آنچه که انتظار می‌رود صورت گرفته است.

۳- چالشها

در کشورهای در حال توسعه، در متن اقتصادی که یکپارچه نیست، با کمبودهایی

مواجه هستیم که در آن دوره تصدی، مدیریت تعاونی، ساختار تولیدی و ساختار خدمات حمایتی اغلب عامل اصلی محدودیت توسعه تعاونیهای اعتباری بوده است، تجزیه و تحلیل‌های ساده براساس رویکرد قدیمی اقتصاد کلان و یا با آزمونی براساس رویکرد اقتصاد خرد از نقطه نظر مدیریت کارآمد تعاونیها از طریق کارکنان آموزش دیده از اعتبار کمی برخوردار است. در جهت تجزیه و تحلیل بهتر و جامع‌تر چالشهایی که تعاونیهای کشورهای در حال توسعه با آن روبرو هستند بحث و تبادل نظر در مورد مشکلات تعاونیهای اعتباری در متن مشکلات مهم‌تر و نهادهای در حال توسعه جوامع کثرت‌گرا مفید خواهد بود.

این حقیقت که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، اغلب عدم موازنه اقتصادی

جهان پیرامون شرکت‌های تعاونی اعتباری با چنان سرعتی در حال تغییر و تحول است که درک ماهیت و دامنه تغییرات آن بطور روزافزونی دشوار گردیده است. بنابراین سازگاری و تطابق با این تغییرات نیز برای شرکت‌های تعاونی اعتباری دشوار است

نتیجه روند اقتصادی در هم ریخته است که در آن کمبودهایی وجود دارد و روند کسب درآمد ناقص است، قابل توجه است. همچنین توجه ویژه‌ای باید به این حقیقت مبذول گردد که بسیاری از کشورهای در حال توسعه دارای گونه‌های متفاوت اقتصاد هستند که در آن دولت نقش مهمی بر عهده دارد و این نقش نه تنها در زمینه تأمین بودجه و بانکداری است، بلکه در زمینه عرضه مواد اولیه، تولید، بازاریابی محصولات و توزیع آنها هم صدق می‌کند. توجه کافی باید به این حقیقت مبذول گردد که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه دولت در جهت اجرای برنامه‌های توسعه نقش محوری به تعاونیها محول می‌کند و در این شرایط روند توسعه تقریباً همیشه با تغییرات ساختاری همراه است. در جوامع کثرت‌گرا در جهت تضمین تغییرات آرام و تدریجی ساختارهای اجتماعی، رفع تضاد بین

موارد ذیل ضروری است:

الف) اهداف جمعی و انگیزه‌های مربوط به کسب سود خصوصی ب) اعمال کنترل‌های اجرایی بر مکانیسم‌های (ساز و کار) بازار و تلاشهای صورت گرفته در جهت افزایش مشارکت همگانی از طریق تعاونیها ج) سیاستهایی که با هدف افزایش کارایی تولید است و نیز آنهایی که در جهت تشویق مشارکت قشر فقیر در روند توسعه در پیش گرفته شده.

این تضادها باید از طریق خلاقیت نهادها و مشخصاً از طریق شاخصهای سیاسی، قضائی، قانونی، اجرایی و روشها رفع گردد و اینک تعاونیها مجبور هستند با چنین چالشهایی مستقیماً روبرو گردند خلاف این پیش‌زمینه می‌باشد. طبقه‌بندی چالشهای فراوری تعاونیها را می‌توان به صورت زیر

انجام داد:

- الف) چالشهای موجود در درون ساختار اعتباری تعاونیها
- ۱- تغییر سیاستهای وام‌دهی (اعطای وام) و

- شيوه‌های جلوگیری از افشای خبر و فساد.
- ۲- ساختار قانونی، قضاوت، هیئت‌های داورى که در جهت به مجازات رساندن سریع متخلفان وجود دارد.
- ۳- اعمال کنترل (توسط) نهادها به منظور حسابرسی، نظارت و بازرسی.
- ۴- هماهنگی بین بودجه‌های کوتاه‌مدت، میانه (حد وسط) و طولانی‌مدت.
- ۵- ایجاد یک ساختار طولی اعتباری یکپارچه در تعاونیها.

ب) چالشهای موجود در خارج از ساختار اعتباری اما در درون نظام تعاونیها. (چالشهای برون ساختاری - درون تعاونیها)

- ۱- تلفیق همه جانبه انواع مختلف تعاونیها.
- ۲- مدیریت تعاونیهای اعتباری چندمنظوره.
- ۳- رابطه بین اعتبار، مصرف‌کننده و تعاونیهای مسکن.

۴- هماهنگی در توسعه تعاونیهای اعتباری نسبت به توسعه تعاونیهای خرید و تولیدی.

۵- تأمین بودجه تعاونیهای مصرف و تولیدی توسط تعاونیهای اعتباری.

ج) رابطه بین تعاونیها، نظامهای مالی کشور و دولت.

معمولاً شرکتهای تعاونی با سازمانهای دولتی از طریق روشهای ذیل در ارتباط هستند:

۱- تعاونیها و سازمانهای نیمه دولتی در ارتباط با برنامه‌های تثبیت قیمت محصولات کشاورزی توسط دولت

۲- تعاونیهای اعتباری و بانک مرکزی؛ با ایجاد الگوی جدید ارتباطی براساس حقوق تساوی

۳- ممانعت از استیلاي مقامات بالای دولت بر تعاونیها با وجود تضمین حمایت دولت از تعاونیها

۴- تعاونیهای اعتباری و بانکهای بازرگانی/بانکهای بازرگانی ملی

۵- تعاونیها به عنوان بخش مهمی در جهت توسعه بخش روستایی

د) چالشهای موجود خارجی: تطابق (سازگاری) با بخش خصوصی

۱- افزایش کارایی داخلی تعاونیها برای رقابت با مؤسسات بخش خصوصی

۲- تعیین مجدد نقش تعاونیهای اعتباری برای حمایت لازم از تعاونیهای خرید و تولیدی

۳- مقاومت و ممانعت از تسلط منافع قشر ثروتمند روستایی، شهری یا گروههای منفعت طلب بر تعاونیها

فهرست بالا فهرستی جامع نیست و چنین نیست که موارد مذکور در مورد تمامی کشورها صدق کند. از این رو امکان تعمیم کلی این موارد در مورد کشورهای در حال توسعه به عنوان یک گروه وجود ندارد. اما آنچه که ذکر آن را از اهمیت برخوردار می‌کند آن است که تعدادی از این موارد در

کنار یکدیگر نیازمند بررسی دقیق است و تدبیری مناسب جهت رفع تضاد بین آنها باید شکل گیرد تا شرایطی بهینه برای رشد تعاونیهای اعتباری برقرار گردد.

با آوردن مثالی، به عنوان نمونه شماره الف ۲) ساختار قانونی، قضاوت، هیئت‌های داوری که در جهت به مجازات رساندن سریع متخلفان وجود دارد. را توضیح می‌دهیم.

در بسیاری از کشورها ثبت تعاونیها و بررسی مقطعی نحوه عمل این تعاونیها بر عهده واحدی اجرائی در دولت است. اما مهم

است که ساختار قانونی متصور، چه در دادگاهها، هیئت‌های داوری ویژه یا شیوه‌های قضاوت در جهت اجرای سریع

عدالت قرار گیرد. مهم‌تر آنکه با توجه به نقش اجتماعی تعاونیها، واحدهای تعاونی باید از جایگاهی برای به کیفر رساندن متخلفان برخوردار باشند و این امر همچنین

باید سریع و بی‌دخالت بیش از حد مقامات اجرائی یا قانونی و به همین صورت در بخشهای امور مالی صورت گیرد. این مسئله

اشاره بدان دارد که حقوق و وظایف تعاونیها در ارتباط با دولت، مؤسسات مالی، نهادهای قانونی باید به روشنی تعریف گردد و از

جانب یک ساختار قضائی معتبر و کارآ مورد حمایت قرار گیرد. چنین موردی تمامی

نهادهای دولتی را در بر می‌گیرد، با وجود این تجربه تلخی است که این جنبه اغلب بدست فراموشی سپرده می‌شود که این امر در نهایت

به فقدان اعتماد به نفس در نحوه عملکرد تعاونیها منتهی می‌گردد.

شکل دیگری از چالشهای پیش روی تعاونیها در ارتباط با اصل قدیمی تفکیک بانکداری و تجارت است. این مضمون که بر

پایه سنتی قدیمی در زمینه بانکداری است در نحوه عمل واحدهای تعاونی سطوح بالاتر

به کار بسته می‌شود و بسیاری از کشورها به تفکیک تعاونیهای اعتباری تمایل به خرید از تعاونیهای مصرف و تولیدی دارند.

انکاری بر این حقیقت نیست که بانکهای تعاونی که به معاملات تجاری اشتغال دارند در معرض خطر جدی قرار دارند. همچنین

امکان آن وجود دارد که ناظران بانکهای تعاونی در تصمیم‌گیریهای مربوط به شرکتهای تجاری که خود می‌توانند موانعی

در برابر عملکرد موفق بانکهای تعاونی به عنوان سازمانهای مالی مستقل باشند، بطور

قابل توجهی شرکت داشته باشند. با این همه زمان آن فرا رسیده که ارتباط بانکداری تعاونی، بازاریابی و تولید تعاونی از طریق تجربیاتی نوآوری شود.

در بسیاری از کشورها شکی در این مورد وجود ندارد که هرگونه توسعه و گسترش تعاونیهای اعتباری عملاً بدون توسعه

همزمان تعاونیهای مصرف و تولیدی برای تضمین دریافت به موقع وامها امکان‌پذیر نیست. علاوه بر این، فقدان تعاونیهای

مصرف همچنین عاملی است تا تعاونیهای اعتباری کاملاً توسعه یافته منابع مازاد خود را به بخشهای دیگر که بعضی از آنها در

رقابت نزدیک با تعاونیهای خود هستند، انتقال دهند. آنچه درخور توجه است آن است که حتی مؤسسه‌های چون سیستم ذخایر

ملی امریکا که در دیدگاههای خود محتاط می‌باشد، آن چنانکه از گزیده صحبت‌های آقای ولیچ^۲ سناتور امریکایی و عضو هیئت

کارگزاران سیستم ذخایر ملی امریکا در تاریخ ۲۵ جولای سال ۱۹۸۰ در حضور

کمیته بانکداری بر می‌آید، مجبور به بازنگری در خط‌مشی‌های قدیمی خود بوده است:

در آغاز، تأکید مجدد من بر دیدگاه، هیأت کارگزاران متکی بر نیاز ایالات متحده به یک بخش صادرات قدرتمند می‌باشد.

احتمالاً توسعه شرکت‌های بازرگانی - صادراتی بر دستیابی به این هدف ... کمک می‌کند. نقش بانکها در تأمین بودجه

صادرات آمریکا نقشی اساسی است و در این رابطه بانکها با تأمین بودجه و با ارائه طیف

وسعی از خدمات در بخش صادرات به شرکت‌های صادراتی در این کشور کمک می‌کند.

آقای ولیچ در جانب‌داری از سهم بودن بانکها در سرمایه مشترک شرکتهای بازرگانی - صادراتی ادامه می‌دهد:

... این سیستم سعی بر آن داشته تا با ایجاد تضمین‌هایی مشارکت نسبی بانکها را با شرکتهای صادراتی بودن نادیده انگاشتن

تفکیک بانکداری و بازرگانی ممکن سازد ... این هیئت بخصوص بر تخصیص مبلغ ۲۷۱۸ دلار جهت تصریح موارد ذیل پافشاری

الف) جنبه‌های نهادین

در کشورهای در حال توسعه با وجود ساختار سیاسی کثرت‌گرای دولت، بانک مرکزی، بانکهای بازرگانی و دیگر نهادهای مالی در جایگاهی قرار دارند که می‌توانند منابع را برای تخصیص اعتبار به مناطق روستایی بسیج کنند. در بسیاری از کشورها، عوامل محدودکننده نه منابع مالی است و نه عدم دانش در زمینه رویکرد بانکداری. عوامل محدودکننده در این زمینه‌ها عبارتند از:

الف) قوانین مربوط به اشتغال که بر رابطه بین دولت و تشکلهای کشاورزان تأثیرگذار است و یا بطور دقیق تعریف نشده است.

ب) چهارچوب‌های قانونی و ساختارهای قضائی - اجرائی در جهت بسط و گسترش سریع مؤسسات تعاونی قرار ندارد.

ج) آن شاخصهای سیاسی که توسط دولت در زمینه‌هایی شکل می‌گیرند که مستقیماً بر عملکرد تعاونیها تأثیر می‌گذارند کاملاً و دقیقاً با آن شاخصهایی که به منظور توسعه تعاونیها است، هماهنگ نیستند.

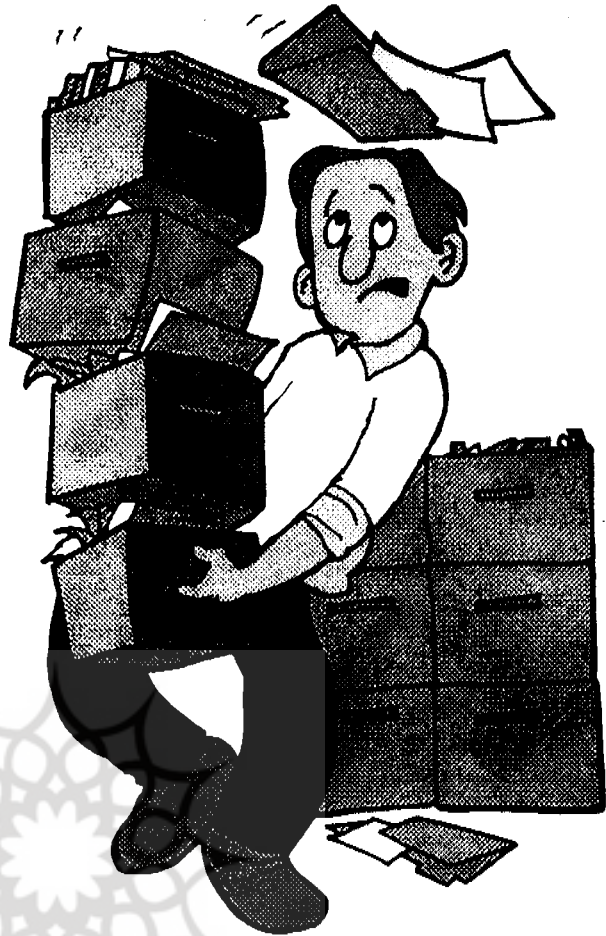
سیاست توسعه تعاونیها به علت رابطه متقابل ساختارهای نهادین - روستایی - در واقع سیاستهای دولت است که از طریق نظرات عملی و یا اجتماعی در مورد آنکه چه باید کرد، چگونه، کجا و توسط چه کسی کار را انجام داد، قابل اجرا می‌گردند. سیاست توسعه تعاونیها رهنمودهایی برای موارد زیر می‌باشد.

الف) استفاده مقامات دولتی از حدود اختیارات دولت

ب) اعمال قدرت مالی از جانب بانکهای مرکزی و بازرگانی

ج) استفاده دادگاهها، هیئت‌های داور، هیئت‌ها از اختیارات قضائی و سرانجام از همه مهمتر

د) اعمال قدرت سیاسی از جانب خود مردم است. این بعد راهبردی یکی از اجزای اساسی خطی مشی عمومی است، بدین معنی که مکمل آن یک بعد جوهری است و عملکرد آن در صورت تحقق یافتن خط مشی عمومی به پیش‌بینی عملکرد اعضای تعاونیها



روند تبادل نظر دموکراتیک بین سازمانهای مردمی، دولت و مؤسسات مالی برای اجتناب از تفوق و برتری نیروهایی که موجب عدم ثبات هستند، ضروری می‌نماید. چنین مسائل مهمی چگونگی تطابق انتظارات اعضاء تعاونیها با امکانات در دسترس و حقیقی آنها و یا بازده واقعی (تولید) تعاونیها را با مشارکت عمومی باید بطور جامع و کامل هم از لحاظ فنی و هم از لحاظ سیاسی و مهمتر از آن از لحاظ نهادها برطرف نماید. بنابراین تطابق بازده تولید با مشارکت عمومی باید هدف اصلی دهه‌های ۹۰ و ۸۰ باشد. این مورد شامل دو جنبه کلی خواهد بود.

الف) تحول (توسعه) مؤسسات، ب) سازماندهی مجدد ساختار؛ بدین معنی که این دو جنبه مکمل یکدیگر باشند و در گاهی از مواقع یکی به سادگی از دیگری متمایز نگردد.

می‌کند: ۱) یک سازمان بانکداری اجازه دارد تنها تا سقف ۲۰٪ از سهامهای شرکت صادراتی را در آن شرکت سرمایه گذاری کند. ۲) یک گروه از سازمانهای بانکداری می‌تواند بیش از ۵۰٪ از کل رأی‌های هر شرکت صادراتی تک‌محصولی را به خود اختصاص دهد. از عبارات ذکر شده مشهود است که انتظار می‌رفته بانکها عهده‌دار مسئولیت‌هایی گردند که پیش‌تر عهده‌دار آن نبوده‌اند.

۴- اهداف ایده‌آل

توسعه تعاونیها همانگونه که پیشتر بدان اشاره گردید همیشه با تغییرات ساختاری همراه است. تغییرات ساختاری باعث ایجاد نابرابری‌هایی می‌گردد و سیاستهای نوین احتمالاً موجب بروز اشتباهاتی آشکار هستند. تحت چنین شرایطی، مدیریت امور مالی به شکلی خودنظم و منسجم به ویژه برای بقای تعاونیها مهم جلوه می‌یابد. در این

هماهنگی بین اعتبارات و بازاررسانی تنها در صورتی امکان پذیر می‌گردد که بین اعطای وام، بازاررسانی و استرداد وام از طریق ساختار منسجم و یکپارچه تعاونیها انسجامی منظم و رابطهای مستمر برقرار شود

می‌پردازد.

اجرای حقیقی سیاست توسعه تعاونیها تنها در صورتی محقق خواهد بود که: الف) عملکردهای مالی، سازمانی، اجرایی، قانونی و اجتماعی مستقل تحول یابد. ب) ترازها و کنترل‌های نهادینه به گونه‌ای که از لحاظ سیاسی مقدور، از لحاظ سازمانی پایدار و از لحاظ قابل اجرا بودن مفید و مؤثر باشد در جهت تضمین توسعه تعاونیها در قالب منافع عمومی آغاز گردد. از این رو ارتباط رویکرد نهادین با توسعه تعاونیها در کشورهای در حال توسعه از اهمیت زیادی برخوردار است. و این بخصوص بدان علت است که از نقطه نظر رویکرد نهادین جامعه روستایی بعنوان مجموعه‌ای از افراد ثروتمند و فقیر؛ قشر قوی و ضعیف (قدرتمند و کم‌قدرت) در نظر گرفته می‌شود. این رویکرد تغییرات را در جهت حمایت ضعیفان در برابر قدرتمندان ضروری می‌داند؛ حساسیت و آسیب‌پذیری قشر ضعیف را نسبت به اعمال و تصمیمات اختیاری قشر قدرتمند مورد بررسی قرار می‌دهد و در راستای تحول قوانین و رویکردهایی است که از حقوق قشر ضعیف در جوامع کثرت‌گرا حمایت می‌کنند و به قشر ضعیف انگیزه و شوق برای شرکت در روند توسعه تعاونیها ارزانی می‌دارد.

ب) تغییرات ساختاری

تا جایی که تغییرات ساختاری تعاونیها مدنظر قرار می‌گیرد، نیازی به تعریف مجدد اهداف آنها نیست.

نخست آنکه در گذشته تعاونیها غالباً و منحصراً به عنوان بنگاه نهادینه مناسبی برای پذیرش سپرده‌های ثروتمندان روستایی و توزیع این سپرده‌ها در قالب اعتبار به تولیدکنندگان نیازمند روستایی متصور بودند. رفع مشکلات زارعان خرده‌پا نیازمند

آن است که تعاونیها به طور فزاینده‌ای به عنوان ابزاری در جهت نظم بخشیدن بر گروه مالکان جزء به صورت مجموعه‌ای هدف‌دار برای سرعت بخشیدن به سرمایه‌گذاری در حوزه‌های دلخواه موجود در جامعه‌ای محلی مورد استفاده قرار گیرند.

نقش جدیدی که انتظار می‌رود تعاونیهای اعتباری براساس مضمون "عضویت آزاد" بازی کنند، مستلزم آن است که بعنوان یکی از اجزاء سازنده مجموعه تعاونیها مدنظر قرار گیرند.

دوم آنکه هماهنگی بین اعتبارات و بازاررسانی تنها در صورتی امکان‌پذیر می‌گردد که بین اعطای وام، بازاررسانی و استرداد وام از طریق ساختار منسجم و یکپارچه تعاونیها انسجامی منظم و رابطهای مستمر برقرار شود. واحدهای مختلف در سطح روستا می‌توانند توسط واحدهای تعاونی ملی در سطحی بالاتر مورد حمایت قرار گیرند. هرکدام از این واحدها که به شکل طولی انسجام یافته و به اعتبار، بازاررسانی، بیمه و دیگر موارد تخصیص داده شده‌اند باید به صورت عرضی هم در هریک از این ۳ سطح انسجام یابند. بنابراین تنها در این صورت است که اتحادیه‌های تعاونی تک تک تعاونیها را قادر می‌سازد تا به عنوان بخشی از (اتحادیه) اصلی تعاونی و نه تنها به عنوان واحدهایی جداگانه عمل کنند.

در صورتی که کل چهارچوب نهادین اتحادیه تعاونی در مسیر واحد با سیاست دولت عمل کنند، حتی ضعیفترین واحد تعاونی در پایین‌ترین سطح می‌تواند از کل مجموعه بهره برد. اگر این مجموعه تعاونی در غالب سیاست قیمت‌گذاری به گونه مطلوبی عمل کند می‌تواند میزان ریسکهای

همراه با بازاررسانی و رقابت با بخش تجاری خصوصی را به میزان قابل ملاحظه‌ای کاهش دهد. تنها در صورتی که تعاونیهای اعتباری به عنوان بخشی از سیستم اعتباری - بازاررسانی و مصرف یکپارچه مورد حمایت قرار گیرند یک واحد مجزای تعاونی قادر خواهد بود چه در برابر فشارهای ناشی از تضاد منافع - منافع کشاورز ثروتمند در برابر کشاورز فقیر، منافع ملاک در برابر رعیت، منافع کشاورز توانمند و با نفوذ در برابر کارگر ساده - و نیز در برابر حملات و رقابت مستقیمی که از خارج اعمال می‌گردد، مقاومت کند.

سوم آنکه، مجموعه تعاونی که شامل تعاونیهای اعتباری می‌شود و جایگاه حساس و مهمی را به اشتغال خود درآورده، باید در تمام نقاط شعبی داشته باشد و قادر باشد با هزینه‌های نسبتاً پایین و ارزان فعالیت نماید.

ساختار تعاونی در عین حال باید به گونه‌ای باشد که اهداف مدنظر سیاست اجتماعی را کاملاً دنبال و تمامی آن را تمام و کمال اجرا نماید. اما مهمتر آنکه این مجموعه باید به صورت مجموعه‌ای مستقل بر حول محور خود عمل نماید. ساختار و استقلال آن باید متضمن فعالیتی دموکراتیک باشد. از این رو باید در حکم بنگاهی باشد که به نحو کارآمدی در راستای تحقق بخشیدن اهداف سیاست‌گذارهای رفاه اجتماعی و عمومی مورد استفاده دولت قرار گیرد. در عین حال، عملکرد این مجموعه باید به گونه‌ای باشد که اهداف موردنظر تمرکززدایی و ترغیب به رهبری محلی را تحقق بخشد. این مجموعه باید توانایی ارتقاء رشد و توسعه لازم جامعه و فعالیتهای گروهی تولیدکنندگان را به سطحی بالاتر دارا باشد. این امر تنها در سایه مشارکت و همکاری عمومی کاملاً تحقق می‌پذیرد.

پی‌نوشت‌ها:

۱- دیدگاههای مطرح شده در این متن اساساً دیدگاههای فائو است.

2- S.G. Madiman

3- Wallich